

نگاه تحلیگر

ورود پوتین به مذاکرات ابتکار عمل ترامپ

علی آهنگر
نویسنده و پژوهشگر تاریخ

با روی کار آمدن دوباره ترامپ در کاخ سفید، تاکنون پنج دور گفت‌وگوی هسته‌ای بین نمایندگان ایران و آمریکا به پایمردی عمان انجام شد. هیچ‌کس از محتوای گفت‌وگوها و آنچه که در مسقط و رم گذشت آگاهی روشنی ندارد. آنچه که در رسانه‌های خارجی و داخلی گفته می‌شود، یا بر خاسته از گمانه‌زنی یا درز گوشه و کنار اخبار است. بر پایه گمانه‌ها و شواهد، به نظر می‌آید دور پنجم این نشست‌ها در رم پیشرفتی نداشته‌و بر اساس پاره‌ای اظهارنظر‌ها به‌بن‌بست خورده است. علت اساسی پیش‌ترفتن گفت‌وگوها اصرار طرف آمریکایی بر توقف کامل غنی‌سازی است؛ در حالی که ایران این خواسته را «غیرواقعی» می‌داند. بیابید واقع‌گرا باشیم: آیا طرف آمریکایی انتظار دارد کشوری که سه دهه برای توسعه فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز تلاش کرده، به‌سادگی از آن دست بکشد؟ آیا باور دارند ایران در منطقه‌ای پرآشوب و مملو از تهدید، توان دفاعی خود را کنار بگذارد در حالی که در تحریم همه‌جانبه تسلیحات نظامی قرار دارد؟ حقیقت این است که این انتظارها با «واقعیت‌های منطقه» و با «منطق بقا» در تضاد است.

▼ غنی‌سازی: تهدید یا حق مشروع؟

طبق پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، ایران مانند برزیل، ژاپن، آرژانتین، کره جنوبی و چند کشور دیگر، حق دارد اورانیوم را برای هدف‌های صلح‌آمیز غنی‌سازی کند. برای ایران، این تنها یک فناوری نیست؛ نشانه‌ای از استقلال ملی و توان بومی است. نگرانی‌ها درباره ذخایر ۶۰ درصدی نیز می‌تواند با چارچوبی شفاف و نظارت‌های مستمر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حتی بازرسان آمریکایی مدیریت شود. نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نگرانی‌های مشروع جامعه بین‌الملل از تسلیحاتی شدن فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را بر طرف می‌کند. طرف آمریکایی چرا به‌جای اصرار بر توقف کامل غنی‌سازی که برای ایران غیرقابل‌پذیرش است، بر محدودسازی سطح غنی‌سازی و بازرسی‌های اطمینان‌بخش تمرکز نمی‌کند؟ اگر دیپلماسی به جای ایدئولوژیک بودن در مسیر واقع‌گرایی قدم بردارد، همواره برای پیچیده‌ترین گره‌ها راه‌گشایی پیدامی‌کند.

▼ دو مسیر: همکاری یا تقابل

آمریکاکنون در یک نقطه تصمیم‌گیری تاریخی ایستاده است. مسیر نخست دیپلماسی فعال است: پذیرش ایران به‌عنوان کشوری با برنامه صلح‌آمیز، ادغام اقتصادی ایران در نظم جهانی و همکاری منطقه‌ای، که چهره منطقه و جهان را تغییر می‌دهد؛ مسیری که می‌تواند برای منطقه صلحی پایدار و همیشگی به‌ارمغان بیاورد. اما مسیر دوم، همان خره خه آشناست: تهدید، تحریم و در نهایت، بی‌ثباتی بیشتر و جنگ. ایران فشار حداکثری را سال‌هاست که آزموده است. ایران زیستن در تحریم را یاد گرفته است. اما گزینه نظامی در برابر ایران، نسخه‌ای فاجعه‌بار برای منطقه است. خاورمیانه منطقه‌ای نیست که بشود جنگی ویرانگر را در آن آزمود. چنان که تاکر کارلسون در تازه‌ترین بیانیه طولانی خود اظهار داشت: افسران پنتاگون نیز بر این باورند که جنگ با ایران به سادگی ممکن است به جنگی جهانی بدل شود. تجربیات عراق و افغانستان نیز نشان داد که دستاوردهای جنگ‌جویانه‌ی آمریکا از این دو جنگ منطقه‌ای، خیلی افتخارآمیزتر از جنگ وینتام نبود. در زبان فارسی مثلی است که می‌گوید: آزموده را آزمودن خطاست. در فرهنگ آمریکایی نیز مثلهایی با مضمون مشابه وجود دارد؛ اما گویی در سیاست خارجی آمریکا این درس ساده از تجربه‌های پیشین کمتر جدی گرفته می‌شود. شاید زمان آن رسیده باشد که به این تجربه‌ها با نگاهی تازه نگریسته‌شود.

▼ کنسر سیوم صلح و دوستی

ترامپ در گفت‌وگویی رسانه‌ای اظهار داشت می‌خواهد آزمایشگاه‌های هسته‌ای ایران را منفجر کند! اما چرا انفجار؟! راهی که پیشینیان او نیز می‌خواستند، اما نتوانستند. پیشنهاد ما این است: به جای اعزام غیرممکن عوامل تخریب، مهندسان و کارشناسان سازنده‌ی خود را به صنایع هسته‌ای ما بفرستند تا در کنار دانشمندان ما، برگی تازه در تاریخ همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایجاد شود. مهندسان آمریکایی و دانشمندان ما می‌توانند در کنار یکدیگر، کنسرسیومی از همکاری، تعامل و آشتی و امنیت در منطقه و جهان بیافرینند. آیا کنسرسیوم صلح و دوستی بهتر از تنهایی جنگ و انفجار نیست؟

▼ دیپلماسی چندجانبه

رئیس جمهور ترامپ با درک بن‌بست پیش آمده، روز چهارشنبه ۱۴ خرداد در یک گفت‌وگوی ۷۵ دقیقه‌ای با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، مشارکت روسیه در این گفت‌وگو را مفید دانسته است. روسیه کشور بزرگ و همسایه ماست. ایران نیز مانند رئیس‌جمهور آمریکا، حضور روسیه در این گفت‌وگوی به بن‌بست رسیده را مفید می‌داند. علاوه براین، آقای ترامپ به‌تازگی از شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، به‌نیکی یاد کرده و گفته است ایشان را دوست دارد. او اشتیاق خود را برای گفت‌وگوی سازنده با چین اعلام داشت؛ هرچند که این گفت‌وگو را «سخت» دانست. برای آغاز گفت‌وگو و همکاری با چین، چه جایی بهتر از ایران؟ ما پیشنهاد می‌کنیم در کنار روسیه، کشور چین و حتی سه کشور همکار اروپایی نیز برای رفع نگرانی‌های خود، به این گفت‌وگو وارد شوند. بی‌گمان، آنچه از چنین مذاکراتی به دست می‌آید، به نفع منطقه و جهان خواهد بود.

مسئله‌ملی پرداختندو گفتند: «ایران به برکت هوش جوانان، همت دانشمندان، تلاش فراوان، توانست دارای چرخه کامل سوخت هسته‌ای بشود؛ یعنی ما امروز قادر هستیم سوخت هسته‌ای را از معدن تا خود نیروگاه تولید کنیم و پیش ببریم. صنعت هسته‌ای فقط برای انرژی نیست؛ بعضی خیال می‌کنند صنعت هسته‌ای فقط برای انرژی پاک و ارزان است، لکن فقط این نیست؛ این یک جزئی از فواید صنعت هسته‌ای است. صنعت هسته‌ای یک صنعت مادر است. متخصصین و دانشمندان و کسانی که حرفه‌شان این است، برای ما توضیح دادند و من امیدوارم برای مردم هم بیشتر توضیح بدهند. عرصه‌های متعدّد علمی متأثر از صنعت هسته‌ای اند». ایشان با اشاره به اینکه «در صنعت هسته‌ای یک نقطه وجود دارد که به منزله کلید است و آن عبارت است از غنی‌سازی اورانیوم»، تصریح کردند: «دشمنان ما روی همین غنی‌سازی اورانیوم تکیه کرده‌اند، روی این انگشت گذاشته‌اند. صنعت هسته‌ای با این عظمت، بدون داشتن توانایی غنی‌سازی یک چیز بی‌فایده است، زیرا برای سوخت نیروگاه‌هایمان باید دستمان را دراز کنیم به [طرف] دیگران. این مثل آن می‌ماند که شما نفت در داخل کشورتان داشته باشید، اما حق نداشته باشید پالایشگاه درست کنید و بنزین تولید کنید! نفت دارید، اما بنزین را باید از دیگری بخرید؛ آن کشور اگر خواست به شماها می‌فروشد، به هر قیمتی خواست می‌فروشد، اگر هم نخواست نمی‌فروشد؛ بهانه‌ای می‌آورد و نمی‌فروشد: فلان کار را بکن، وَاَلَا بنزین نمی‌دهم؛ هدف آنها این است، ما اگر صد نیروگاه هسته‌ای داشته باشیم اما غنی‌سازی نداشته باشیم، به دردمان نمی‌خورد؛ برای خاطر اینکه نیروگاه هسته‌ای احتیاج به سوخت دارد و اگر این سوخت را نتوانیم در داخل کشور تولید کنیم، باید دست دراز کنیم طرف آمریکا و آنها برای دادن سوخت هسته‌ای ممکن است ده‌ها شرط بگذارند». آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تجارب سابق کشور در توقف غنی‌سازی یادآور شدند: «ما این را امتحان کردیم. در دهه هشتاد، سر سوخت بیست درصد، رئیس‌جمهور آمریکا خودش دو نفر از رؤسای‌جمهور دوست ما را واسطه کرد که به ایران بگویند یک مقداری از غنی‌سازی‌های سه‌ونیم درصد را به ما بدهد، ما بیست درصدی را که احتیاج دارد به او می‌دهیم؛ ما احتیاج داشتیم به بیست درصد، مسئولین قبول کردند، بنا شد که مبادله بشود. بنده گفتم که این مبادله باید این‌جوری باشد که آنها بیست درصد را بیاورند بندرعبّاس، ما آزمایش کنیم ببینیم درست است، بعد آن را می‌گیریم، سه‌ونیم درصد را به آنها می‌دهیم. وقتی دیدند ما روی گرفتن بیست درصد دقت داریم و اصرار داریم، زیر قول خودشان زدن و ندادند! البته در همین اوقات، در همین حین که مسئولین ما سر این قضیه مشغول این زدوخوردهای سیاسی بودند، دانشمندان ما خودشان در داخل بیست درصد را تولید کردند».

▼ پاسخ به آمریکا

ایشان با تاکید بر اینکه «حرف اول آمریکایی‌ها این است که شماها اصلاً صنعت هسته‌ای نداشته باشید»، گفتند: «آمریکایی‌ها این را می‌خواهند، این را می‌گویند، این را از ما مطالبه می‌کنند: سرمداران بی‌ادب و گستاخ آمریکا این خواسته را با زبان‌های گوناگون تکرار می‌کنند. آنها با پیشرفت ایران مخالفند، با استغناء ملت ایران مخالفند. پاسخ ما به یاهو گویی‌های دولت پُرس‌وصدا و بی‌تدبیر آمریکا معلوم است؛ معلوم است ما چه جوابی می‌دهیم». آیت‌الله «چند سال قبل از این، یکی از رؤسای‌جمهور آمریکا گفت من اگر بتوانم، پیچ‌ومهره‌های صنعت هسته‌ای ایران را باز می‌کنم و از بین می‌برم که البته اعتراف کرد که نمی‌تواند و از آن روز، پیچ‌ومهره‌های صنعت هسته‌ای ما بسیار محکم‌تر هم شده. البته اقرار کرد که نمی‌تواند پیچ‌ومهره‌ها را باز کند؛ گفت نمی‌توانم، اگر می‌توانستم می‌کردم. اینهایی هم که امروز سر کارند هم بدانند که در این مورد، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. البته قبل از این حرف‌ها، قبل از این توضیح‌ها، اولین مطلبی که ما در باب هسته‌ای به طرف‌های آمریکایی و غیره می‌گوئیم این است که شما چه‌کاره‌اید؟ چرا دخالت می‌کنید که ایران باید غنی‌سازی داشته باشد یا نداشته باشد؟ به شما چه؟ شما امکانات اتمی دارید، بمب اتم دارید، ویرانگری شدید دنیا در اختیار شماست، به شما چه که ملت ایران غنی‌سازی داشته باشد یا نداشته باشد، صنعت هسته‌ای داشته باشد یا نداشته باشد؟ ملت ایران [یک ملتی است که اختیارش دست خودش است؛ به شما ربطی ندارد؛ شما چه‌کاره‌اید؟ شما از چه موضع حقوقی ای این حرف‌ها را می‌زنید؟ این مطلب ماست».



است که این روزها در جریان است. همان‌طور که می‌دانید، گفت‌وگوی ما با تهران و واشنگتن از طریق کاتال‌های مختلف ادامه دارد. بنابر این، رئیس‌جمهور در صورت نیاز می‌تواند وارد عمل شود و طرف روسی نیز می‌تواند مشارکت کند». او همچنین یادآور شد که روسیه شراکت نزدیکی با ایران دارد و افزود که پوتین به ترامپ گفته که آماده است از این روابط برای کمک به حل پرونده هسته‌ای استفاده کند.

▼ سفر نزدیک پوتین به تهران

زمان زیادی از این گفت‌وگوی تلفنی نگذشت که کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی در مسکو اعلام کرد که ولادیمیر پوتین به زودی راهی تهران خواهد شد. با توجه به گره خوردن مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا و اعلام آمادگی طرف روسی برای ورود به این روند، اولین احتمالی که به ذهن متبادر می‌شود، مسئله هسته‌ای بودن این سفر است. پوتین در تهران ملاقات‌هایی در سطح عالی خواهد داشت که می‌تواند به منظور رایزنی در حوزه مذاکرات هسته‌ای، ابتکارات و برون‌رفت از این شرایط مانند موضوع کنسرسیوم، حق غنی‌سازی، یا همکاری هسته‌ای مورد استفاده قرار بگیرد. چین و روسیه تنها کشورهای عضو دائم شورای امنیت هستند که با ایران رابطه خوبی دارند و سه کشور دیگر اینگونه نیستند. همچنین روسیه تنها کشور خارجی است که با ایران در حوزه هسته‌ای همکاری دارد. در حال حاضر، نقش آفرینی روسیه در پرونده مذاکرات هسته‌ای با اما و اگر نگاه می‌شود. تکلیف آمریکا در افکار عمومی و رسانه‌های حاکمیتی مشخص است اما در مقابل، تلاش زیادی برای سفیدسازی روسیه در ایران انجام می‌شود که با واقعیت‌های تاریخی در تضاد است. از نگاه دیگر، توجه به این نکته لازم است که بعدعده‌ها و نقض توافق‌ها از سوی روسیه را باید در ظرف زمانی خود تحلیل و بررسی کرد. در حال حاضر قرارداد همکاری راهبردی میان دو کشور وجود دارد و باید دید که آن‌ها چطور نقش آفرینی می‌کنند. البته توجه به این نکته مهم است که روس‌ها در حال حاضر درگیری‌های مهمتری با آمریکا دارند و روابط دوجانبه آن‌ها وضعیت مثبتي ندارد که بخواهند در آن ظرف موثر باشند. بلکه تأثیر آن‌ها احتمالاً بیشتر بر تهران و انتظار طرف آمریکایی نیز همین است.

سمفونی خطوط

کیوان زرگری



جهنم فومن به دلیل مشکلات فنی خاموش شد



عکس نوشت

مسلخ

درباره عکسی که فقط یک گاو از او خبر دارد

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

دو ساعت تمام نگاهش کردم. داس به دست به جان علف‌های هرز افتاده. یک مرد است و یک فرغون و یک زمین که تا چشم کار می‌کند سبز است. شاید از سر فضولی و شاید از باب معاشرت نم‌نم به صحنه نزدیک شدم. این نم‌نم نزدیک شدن کار هر کسی نیست. بلدی می‌خواهد. باید بدانی چطور به حریم مرد داس به دست خسته‌ای وارد شوی. مبدا طوری سلام کنی که چینی نازک تنهایی‌اش ترک بردارد... سلام می‌کنم. علیک می‌گوید.

من: فضولی نباشه ولی خسته شدی یک دقیقه استراحت کن. دو ساعت است کمر راست نکردی.

مرد: باید علف بیرم براش. (لهجه ترکی دارد)

من: داری گریه می‌کنی؟ (چشمان سبز رنگش خیس آب است)

مرد: گریه‌کنم چه کنم؟ می‌خوام رفیقم رو بکشم. روم نمی‌شه تو چشماش نگاه کنم. برم بهش چی بگم؟

من: می‌خواهی قربانی‌اش کنی؟

مرد: خود خاک بر سرم که نه، می‌خوام بفروشمش و پولش رو بزنم به زخم زندگی ام. می‌خوام این بی‌زیون رویفرستم به مسلخ تا یک تره خربیاد بشینه سر سرفه ام. مانده ام بین دوراهی. نفهمیدم چطور غم‌مرد روی شانه‌ام افتاد. یکی نیست بگوید خودت کم درد و بدبختی داری. اصلاً چه باید بگویم. چطور به مردی که قرار است رفیقش را به مسلخ بفرستد دل‌داری بدهم؟

من: حالا شاید خریدارش بهتر از توازش مراقبت کنه.

مرد: آقا جان بچه که نیستم. فردا عید قربانه. اون کسی هم که می‌خواد بابت این زبون بسته پول بده رو هم می‌شناسم. می‌خواد قربونی‌اش کنه. استغفرالله نمی‌گم قربونی کردن بدده. اما وقتی به چشم‌های این بچه نگاه می‌کنم جیگرم کباب می‌شه. من خودم این بچه رو از مادرش بیرون کشیدم. ده سال ازگار صبح و شیم رو باهاش گذروندم. باهاش درد دل کردم. گریه کردم. خندیدم. اصلاً تنها کسی که قضیه این عکس رو می‌دونه این بچه است.

من: می‌شه قضیه این عکس رو به من هم بگی؟

مرد: آخرین کسی که قضیه این عکس رو می‌دونه فردا داره کشته می‌شه. خدا حافظ آقا. من کار دارم. باید علف‌ها رو ببرم. باید وقتی از خونه من می‌ره دلی از عزا درآورده باشه.



عکس: حامد حق، دوست، ایران